

تحولات حقوقی

دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۴

The University as an Actor in Environmental Criminal Policy: A Jurisprudential, Legal, and Criminological Approach

Authors: Hossein Ranjbar | Zeinab Majlesi

دانشگاه به مثابه کنش‌گر در سیاست جنایی محیط‌زیستی:
رویکرد فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی
نویسندگان: حسین رنجبر | زینب مجلسی



LEGAL DEVELOPMENT

1 Volume ,1Autumn, Issue 2025



The University as an Actor in Environmental Criminal Policy: A Jurisprudential, Legal, and Criminological Approach

*¹Hossein Ranjbar: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Shomal University, Amol, Iran..
H.ranjbar@shomal.ac.ir

²Zeinab Majlesi: PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Abstract

The Contemporary societies are confronted with complex environmental and social crises that demand integrated solutions. Such crises can only be addressed through the synthesis of three complementary approaches jurisprudential, criminal policy, and social prevention providing comprehensive and sustainable pathways toward intergenerational justice and the preservation of social order. This practical and descriptive–analytical study, inspired by verse ٤١ of Surah al-Rum (“Corruption has appeared on land and sea...”), combines jurisprudential principles, criminal policy frameworks, and social prevention strategies to propose a theoretical and practical foundation for innovative governance in the field of social prevention. Key questions explored include: How can jurisprudential teachings be applied to strengthen environmental criminal policy? What connections exist between jurisprudential rules such as Itlaf (destruction), Hifz al-Nizam (preservation of order), and La Darar (no harm) and social prevention policies? Finally, what role can universities, as fourth-generation institutions, play in socially preventing environmental crimes? Within the jurisprudential approach, rules such as Itlaf, Hifz al-Nizam, and La Darar are examined as normative and ethical



foundations. The criminal policy approach emphasizes the criminalization of destructive behaviors and the design of both penal and non-penal sanctions. The social prevention approach highlights universities as fourth-generation institutions engaged in scientific monitoring, social responsibility, and reducing criminogenic conditions. Data collection relied on library and documentary methods, with analysis of jurisprudential, legal, and criminological sources. Findings suggest that the synergy of these three approaches can provide a coherent framework for reducing environmental and social crimes, advancing intergenerational justice, and strengthening social capital.

Keywords: Islamic Environmental Jurisprudence; Environmental Justice; Environmental Criminal Policy; Green Criminal Law; Environmental Crimes; University Activism; Institutional Prevention



دانشگاه به مثابه کنش گر در سیاست جنایی محیط‌زیستی: رویکرد فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی

* احسین رنجبر: استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال، آمل، ایران.

H.ranjbar@shomal.ac.ir

آزینب مجلسی: دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

جوامع بشری در عصر حاضر، با بحران‌های پیچیده زیست‌محیطی و اجتماعی دست‌به‌گریبان‌اند؛ بحران‌هایی که تنها از تلفیق رویکردهای سه‌گانه فقهی، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی می‌توان به راهکارهایی جامع و پایدار جهت تحقق عدالت بین‌نسلی و صیانت از نظام اجتماعی دست یافت. پژوهش کاربردی و توصیفی-تحلیلی پیش‌رو، با الهام از آیه ۴۱ سوره روم («ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...») و تلفیق سه رویکرد فقهی، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی، می‌کوشد تا مبنایی نظری و عملی جهت حکمرانی نوین در حوزه پیشگیری اجتماعی ارائه نماید. مسائل حائز اهمیت در پژوهش پیش‌رو، عبارتند از آنکه چگونه می‌توان آموزه‌های فقهی را در راستای سیاست جنایی زیست‌محیطی به کار گرفت؟ چه ارتباطی میان قواعد فقهی (اتلاف، حفظ نظام، لاضرر) و سیاست‌های پیشگیری اجتماعی وجود دارد؟ و در نهایت، نقش دانشگاه‌ها به‌عنوان نهاد نسل‌چهارم در پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی چیست؟ در رویکرد فقهی، قواعدی چون اتلاف، حفظ نظام و لاضرر به‌مثابه پشتوانه‌های هنجاری و اخلاقی، مورد بررسی واقع شده‌اند. در رویکرد سیاست جنایی، جرم‌انگاری رفتارهای مخرب و طراحی ضمانت‌اجراهای کیفری و غیرکیفری مورد عنایت قرار گرفته است. در رویکرد پیشگیری اجتماعی نیز نقش دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای نسل‌چهارم در دیده‌بانی علمی، مسئولیت اجتماعی و کاهش زمینه‌های جرم‌زا، تحلیل شده است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای-اسنادی و بررسی کتب فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی،



حاکی از آنند که هم‌افزایی این سه رویکرد می‌تواند چارچوبی منسجم جهت کاهش جرایم زیست‌محیطی و اجتماعی، ارتقای عدالت بین‌نسلی و تقویت سرمایه اجتماعی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: فقه محیط‌زیست، عدالت زیست‌محیطی، سیاست جنایی محیط‌زیستی، حقوق کیفری سبز، جرایم زیست‌محیطی، کنش‌گری دانشگاهی، پیشگیری نهادی





۱. مقدمه

بحران‌های زیست‌محیطی، به یکی از چالش‌های بنیادین جوامع انسانی در دهه‌های اخیر تبدیل شده‌اند؛ چالش‌هایی که به آلودگی اکولوژیکی، تخریب منابع طبیعی، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تهدید عدالت بین‌نسلی انجامیده‌اند. تجربه سیاست‌های پراکنده و واکنش‌های صرفاً کیفری، حاکی از آنند که مدیریت بحران‌های فوق‌الذکر، تنها با رویکردی چندبعدی و هم‌افزا امکان‌پذیر می‌باشد؛ در همین راستا، هشدار قرآنی پیرامون «ظهور فساد در بر و بحر» - که ریشه آن در عملکرد انسان دانسته شده - ضرورت بازاندیشی در سازوکارهای حکمرانی زیست‌محیطی را برجسته می‌سازد.

اهمیت پژوهش، آنجاست که قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف و حفظ نظام، از ظرفیت مشروعیت‌بخشی به سیاست جنایی سبز برخوردارند؛ سیاست جنایی محیط‌زیستی، ابزارهای کیفری و غیر کیفری لازم را جهت رویارویی با تخریب محیط‌زیست را فراهم آورده و پیشگیری اجتماعی، بستر نهادی لازم به منظور کاهش زمینه‌های جرم‌زا را ایجاد می‌نماید.

ضرورت پژوهش پیش‌رو نیز ناشی از افزایش جرایم زیست‌محیطی در ایران و جهان و ناکارآمدی سیاست‌های صرفاً کیفری می‌باشد؛ به‌ویژه آنکه دانشگاه‌ها در مقام نهادهای نسل چهارم، می‌توانند با تولید دانش، دیده‌بانی علمی و ارتقای سواد زیست‌محیطی، نقش مؤثری در پیشگیری نهادی ایفاء نمایند؛ لذا، مسئله اصلی پژوهش حاضر، آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی، چارچوبی جامع جهت ارتقای سیاست جنایی محیط‌زیستی طراحی نمود و در این میان، دانشگاه‌ها به‌عنوان کنش‌گران نسل چهارم چیست؟

مطالعات فقهی همانند پژوهش نیکنام و همکاران (۱۴۰۲)، مؤکد ظرفیت قواعد اتلاف، لاضرر و حفظ نظام در مشروعیت‌بخشی به مداخله نهادی می‌باشند. موسوی بجنوردی (۱۳۷۹) و طباطبایی (۱۳۲۷) نیز به تبیین مبانی فقهی حفاظت از نظام طبیعی و اجتماعی پرداخته‌اند. مطابق حوزه سیاست جنایی محیط‌زیستی، تأکید فردین و همکاران (۱۳۹۹)، بر ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مخرب و طراحی ضمانت‌اجراهای کیفری و غیر کیفری بوده‌است و بیات و صیقل (۱۴۰۳) نیز چالش‌های سیاست جنایی ایران را ناشی از فقدان رویکرد تلفیقی میان حقوق کیفری، نهادهای علمی و

سازمان‌های مدنی دانسته‌اند. در سطح بین‌المللی، White (۲۰۱۳) و South (۲۰۰۸) مؤکد پیوند عدالت زیست‌محیطی با سیاست جنایی سبز تأکید کرده‌اند. در حیطه پیشگیری اجتماعی، پژوهش حاجی‌عباسی و همکاران (۱۴۰۲) نقش دانشگاه‌ها را در ارتقای سواد زیست‌محیطی و کاهش زمینه‌های جرم‌زا برجسته ساخته و گزارش UNESCO (۲۰۲۲)، دانشگاه‌های تحول‌گرا را به‌عنوان یکی از ارکان پیشگیری نهادی معرفی می‌نماید؛ با وجود مطالعات و پژوهش‌های فوق، هیچ پژوهشی سه رویکرد فقهی، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی را در یک ساختار واحد تلفیق نکرده و نقش دانشگاه را به‌عنوان کنش‌گر سیاست جنایی محیط‌زیستی تحلیل ننموده است؛ خلأیی که پژوهش حاضر در پی رفع آن است.

ذیل موارد فوق، اهداف پژوهش حاضر، عبارت‌اند از تبیین ظرفیت‌های فقهی در مشروعیت‌بخشی به سیاست جنایی محیط‌زیستی؛ تحلیل ابزارهای کیفی و غیرکیفی سیاست جنایی سبز؛ بررسی نقش دانشگاه‌ها در پیشگیری نهادی و دیده‌بانی علمی و ارائه چارچوبی تلفیقی برای سیاست جنایی محیط‌زیستی؛ لذا، پرسش‌های حائز اهمیت در پژوهش توصیفی-تحلیلی پیش‌رو، عبارتند از آنکه چگونه می‌توان از آموزه‌های فقهی در راستای سیاست جنایی محیط‌زیستی بهره برد؟ چه ارتباطی میان قواعد فقهی (لاضرر، اتلاف و حفظ نظام) و سیاست‌های پیشگیری اجتماعی وجود دارد؟ و در نهایت، دانشگاه‌ها به‌عنوان کنش‌گران نسل چهارم، در پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی چه نقشی را ایفاء می‌نمایند؟

گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای-اسنادی و بررسی کتب و مقالات فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی، حاکی که در رویکرد فقهی، قواعدی همچون لاضرر، اتلاف و حفظ نظام، به‌مثابه پشتوانه‌های هنجاری مورد بررسی واقع شده و مبنایی مشروعیت‌بخش را برای سیاست جنایی محیط‌زیستی فراهم می‌نمایند. مطابق رویکرد سیاست جنایی نیز جرم‌انگاری رفتارهای مخرب محیط زیست و طراحی ضمانت اجراهای کیفی و غیرکیفی، محور تحلیل بوده‌اند که چنین سیاستی، بدون پیوند با پیشگیری نهادی کارآمد نخواهد بود؛ در نهایت، بر اساس رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی، دانشگاه‌ها می‌توانند به طرق گوناگونی همچون دیده‌بانی علمی، تولید دانش مسئله محور، ارتقای مسئولیت اجتماعی و کاهش بسترهای جرم‌زا، ایفای نقش نمایند.



۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع بنیادی-نظری بوده و با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. هدف آن نیز تبیین ظرفیت‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی در سیاست جنایی زیست‌محیطی و تحلیل نقش دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای نسل چهارم در پیشگیری اجتماعی می‌باشد.

روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای-اسنادی بوده و داده‌ها از طرقی همانند مطالعه و تحلیل منابع فقهی (کتب قواعد فقهی، آثار فقهای امامیه، تفاسیر)، منابع حقوقی (قوانین، اسناد بالادستی، سیاست‌های جنایی)، و منابع جرم‌شناختی و اجتماعی (نظریه‌های پیشگیری اجتماعی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، ادبیات دانشگاه نسل چهارم) گردآوری شده‌اند.

در انتخاب منابع، معیارهایی همچون اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع، به‌روز بودن پژوهش‌ها و پوشش سه حوزه فقه، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. داده‌های گردآوری‌شده نیز با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند؛ به این معنا که مفاهیم کلیدی استخراج، دسته‌بندی و در سه رویکرد فقهی، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی مورد مقایسه و تلفیق واقع شده‌اند.

در بخش فقهی، قواعد اتلاف، لاضرر و حفظ نظام به‌عنوان مبانی هنجاری و اخلاقی تحلیل شده‌اند. در بخش سیاست جنایی، ابزارهای کیفری و غیرکیفری مقابله با جرایم زیست‌محیطی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش پیشگیری اجتماعی نیز نقش دانشگاه‌ها در دیده‌بانی علمی، ارتقای سواد زیست‌محیطی و کاهش زمینه‌های جرم‌زا تحلیل شده است.

روش‌شناسی فوق، امکان می‌دهد که یافته‌های پژوهش نه صرفاً توصیفی، بلکه تحلیلی، مقایسه‌ای و تلفیقی بوده و چارچوبی منسجم جهت ارتقای سیاست جنایی زیست‌محیطی ارائه گردد.

۳. مبانی مفهومی و نظری

۳-۱. فقه محیط‌زیست

فقه محیط‌زیست، به‌مثابه شاخه‌ای نوپدید از فقه اسلامی، بر پایه قواعدی چون «لاضرر»، «اتلاف»، و «حفظ نظام» بنا شده است. این قواعد، افزون بر ممنوع دانستن رفتارهای زیان‌بار نسبت به محیط‌زیست،

زمینه مشروعیت مداخله نهادی در پیشگیری از تخریب منابع طبیعی را فراهم می‌آورند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲۵). مطابق تفسیر آیه ۴۱ سوره روم، فساد به معنای اختلال در نظام طبیعی و اجتماعی دانسته شده که نتیجه مستقیم عملکرد انسان است؛ لذا، تفسیر فوق، مبنای ارزشی فقه محیط‌زیست را تقویت می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۲۷، ۱۶: ۱۲۳).

۲-۳. عدالت زیست‌محیطی

عدالت زیست‌محیطی، مفهومی میان‌رشته‌ای است که به توزیع منصفانه منافع و مخاطرات زیست‌محیطی در میان گروه‌های اجتماعی می‌پردازد؛ مفهوم مذکور، علی‌الخصوص در جوامع در حال توسعه، با نابرابری‌های ساختاری و آسیب‌پذیری اقشار محروم در برابر آلودگی‌ها و تخریب‌ها گره خورده است (South, ۲۰۰۸: ۳۳). در سیاست جنایی محیط‌زیستی، عدالت زیست‌محیطی به‌عنوان هدفی نهایی، مستلزم طراحی سازوکارهایی جهت مشارکت عمومی، شفافیت نهادی و پاسخ‌گویی در برابر آسیب‌های اکولوژیکی می‌باشد.

۳-۳. سیاست جنایی محیط‌زیستی

سیاست جنایی محیط‌زیستی، مجموعه‌ای از تدابیر کیفری و غیرکیفری جهت مقابله با جرایم زیست‌محیطی است که در چارچوب سیاست جنایی کلان تعریف می‌گردد. این سیاست، با بهره‌وری از ابزارهایی چون جرم‌انگاری، پیشگیری نهادی و مشارکت مدنی، به دنبال حفاظت از سلامت اکولوژیکی و بازدارندگی رفتاری می‌باشد (۴۷-۴۱: White, ۲۰۱۳). در ایران نیز چالش اصلی این سیاست، فقدان رویکرد تلفیقی میان حقوق کیفری، نهادهای علمی و سازمان‌های مردم‌نهاد است (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۱۰۵-۹۵).

۴-۳. حقوق کیفری سبز

حقوق کیفری سبز، به‌عنوان شاخه‌ای نوین از حقوق کیفری، متمرکز و مؤکد بر حفاظت کیفری از محیط‌زیست است؛ این حوزه، با تأکید بر جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌بار به طبیعت، به دنبال بازتعریف مفاهیم سنتی همچون ضرر، مسئولیت کیفری و مصلحت عمومی در بستر اکولوژیکی می‌باشد (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۱۵). در تطبیق با اهداف توسعه پایدار، حقوق کیفری سبز باید از



مجازات محوری فاصله گرفته و به سمت پیشگیری، ترمیم و مشارکت اجتماعی حرکت نماید (داودی گرمارودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۸-۱۰۲).

۳-۵. جرایم زیست محیطی

جرایم زیست محیطی، هرگونه فعل یا ترک فعلی را شامل می‌گردد که به تخریب، آلودگی یا بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی منتج گردد؛ چنین جرایمی، به سبب ماهیت فرامکانی و تأثیرات بلندمدتشان، نیازمند رویکردی متمایز از جرایم سنتی می‌باشند (اکبری و چمنی، ۱۳۹۸: ۸۲)؛ مبنای جرم‌انگاری این قبیل جرایم، اصل ضرر و هم‌چنین، حق بر محیط زیست سالم است که در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی ایران نیز مورد تأکید واقع شده است (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۱۱۰).

۳-۶. کنش‌گری دانشگاهی

کنش‌گری دانشگاهی، به معنای ایفای نقش فعال نهاد دانشگاه در فرآیند سیاست‌گذاری، آموزش عمومی و تولید دانش تجویزی^۱ است؛ چنین نقشی، با عبور از پژوهش‌های صرفاً توصیفی به سمت مشارکت در حل مسائل اجتماعی و زیست محیطی حرکت می‌نماید (شریف‌زاده و حسان، ۱۴۰۱: ۸۹). دانشگاه‌ها قادرند با طراحی نمودن برنامه‌های آموزشی، پژوهش‌های کاربردی و تعامل با نهادهای اجرایی، در پیشگیری نهادی از جرایم زیست محیطی نقش آفرینی نمایند.

۳-۷. پیشگیری نهادی

پیشگیری نهادی، مجموعه اقدامات ساختاری و سازمانی است که به منظور کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم، از طریق اصلاح سازوکارها و ارتقاء آگاهی عمومی صورت می‌پذیرد؛ پیشگیری مذکور، در حوزه زیست محیطی، شامل آموزش، نظارت و مشارکت نهادهای علمی و مدنی است (رضویان، ۱۴۰۱: ۹۵-۹۰). سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، و رسانه‌ها در این نوع از انواع پیشگیری، به ویژه در زمینه جرایم فرامکانی و پیچیده، از نقشی حیاتی برخوردارند (غلامی، ۱۴۰۰: ۴۴۵).

^۱. Prescriptive

۳-۸. پیوند فقه محیط‌زیست و سیاست جنایی محیط‌زیستی

فقه محیط‌زیست، با تکیه بر قواعدی همچون «لاضرر»، «اتلاف» و «حفظ نظام»، افزون بر ممنوع دانستن رفتارهای آسیب‌زا به طبیعت، مبنای مشروعیت جهت مداخله نهادی در پیشگیری از این قبیل رفتارها را فراهم می‌نماید. این ظرفیت فقهی، می‌تواند در طراحی سیاست جنایی محیط‌زیستی به کار گرفته شود؛ به‌ویژه در جوامعی که مشروعیت حقوق کیفری به پیوند آن با منابع دینی وابسته است؛ بنابراین، فقه می‌تواند به‌مثابه پشتوانه نرم‌افزاری سیاست جنایی سبز عمل نماید (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۷ق، ۱۶: ۱۲۳؛ ۴۱: ۲۰۱۳؛ White، رشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۱۵).

۳-۹. ارتباط عدالت زیست‌محیطی با پیشگیری نهادی

عدالت زیست‌محیطی، تنها در حالی تحقق می‌یابد که نهادهای اجتماعی و آموزشی، من جمله دانشگاه، در فرآیند پیشگیری نهادی، از مشارکت فعال برخوردار باشند. پیشگیری نهادی، با ارتقاء آگاهی عمومی، تربیت متخصصان و اصلاح سازوکارهای تصمیم‌گیری، از تمرکز صرف بر مجازات فاصله گرفته و در توزیع منصفانه منافع و مخاطرات زیست‌محیطی مساعدت می‌نماید؛ در این برهه، دانشگاه‌ها نقش کلیدی در تحقق عدالت اکولوژیکی ایفا می‌نمایند (South، ۲۰۰۸: ۳۳)؛ رضویان، ۱۴۰۱، ص. ۳۳؛ شریف‌زاده و حسان، ۱۴۰۱: ۸۹؛ دهدارزاده، ۱۴۰۲: ۷۲؛ حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸).

۳-۱۰. نقش کنش‌گری دانشگاهی در توسعه حقوق کیفری سبز

حقوق کیفری سبز، به‌عنوان حوزه‌ای نوظهور، نیازمند بازتولید مفاهیم، آموزش تخصصی و نقد مستمر بوده و در چنین صورتی است که کنش‌گری دانشگاهی معنا می‌یابد. دانشگاه‌ها قادرند با طراحی دوره‌های آموزشی، تولید دانش بومی و مشارکت در سیاست‌گذاری، در توسعه حقوق کیفری سبز مساعدت نمایند؛ این کنش‌گری، افزون بر سطح نظری، در عمل نیز به پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی منجر می‌گردد (Loader & Sparks، ۲۰۱۰: ۱۱۵)؛ داودی گرمارودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۸؛ سروری‌مجد، ۱۴۰۴؛ انصاری، ۱۴۰۴؛ پهلوان‌افشاری، ۱۴۰۴).



۴. رویکرد فقهی به جرم‌انگاری زیست‌محیطی و نقش دانشگاه

در نظام‌هایی که مشروعیت سیاست‌گذاری به منابع دینی و فقهی وابسته است، تحلیل فقهی حفاظت از محیط‌زیست، پیش‌شرطی بنیادین جهت طراحی سیاست جنایی مؤثر محسوب می‌گردد. فقه اسلامی با قواعدی همچون لاضرر، اتلاف و حفظ نظام، بنیان‌های هنجاری لازم جهت جرم‌انگاری رفتارهای مخرب زیست‌محیطی را فراهم می‌آورد؛ در حالی که حقوق کیفری با اصولی همچون مسئولیت، پیشگیری و توسعه پایدار، ابزارهای اجرایی این سیاست را تکمیل می‌نماید. تلفیق این دو حوزه، زمینه شکل‌گیری سیاست جنایی سبز را فراهم می‌آورد که از پشتوانه دینی و نهادی، به‌ویژه در حیطه پیشگیری نهادی و مشارکت دانشگاه‌ها برخوردار می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۷، ۱۶: ۱۲۳؛ رضویان، ۱۴۰۱: ۳۳؛ ۴۱: ۲۰۱۳، White؛ حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸).

فقه اسلامی به‌مثابه نظامی مصالح‌محور، نسبت به پایداری زیست‌محیطی، حساسیتی بنیادین دارد. قواعد لاضرر، اتلاف و حفظ نظام، افزون بر حوزه ضمان و مسئولیت مدنی، در سیاست جنایی پیشگیرانه نیز قابل ترجمه‌اند و می‌توانند مبنای شرعی جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مسئولیت نهادی دولت و دانشگاه قرار گیرند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲۵؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۰، ۲: ۳۴۱؛ رضویان، ۱۴۰۱: ۳۳؛ حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸). بر اساس قاعده حفظ نظام، دانشگاه به‌عنوان نهادی اجتماعی، در صیانت از نظم زیست‌محیطی مشمول حمایت شرعی بوده و با آموزش، تولید دانش و کنشگری علمی، مصداقی از «آمر به معروف» در حوزه محیط‌زیست محسوب می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۸۴؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۲۷۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

۴-۱. آیه «فساد فی البرّ و البحر» و مسئولیت دانشگاه در صیانت از طبیعت

آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱)، نقش انسان را در ایجاد اختلال در نظام طبیعی و اجتماعی برجسته می‌سازد. مفسران، فساد را به معانی مختلفی همچون آلودگی، نابودی منابع، بی‌عدالتی و اختلال در نظام احسن الهی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۲۷، ۱۶: ۱۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۳۵۵؛ خرم‌دل، ۱۴۰۰، ۹: ۲۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۳: ۴۵۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲،

۷: ۳۵۲؛ آیه فوق، مبنایی قرآنی جهت مشروعیت بخشی به سیاست های پیشگیرانه در قبال تخریب محیط زیست به شمار می رود.

مطابق چارچوب فوق، فساد زیست محیطی، افزون بر پیامد یک رفتار انسانی، موضوعی با بار شرعی و اخلاقی است که مداخله نهادی را ضروری می سازد. دانشگاه ها با ارائه آموزش عمومی، تولید معرفت و کنشگری اجتماعی، می توانند مصداقی از «آمر به معروف» در حوزه زیست محیطی باشند؛ نقشی که در راستای حفاظت از امانت الهی طبیعت مشروعیت می یابد (۹: ۲۰۲۳، Bhat؛ ۴۱۲: ۲۰۱۰، Kamali؛ ۱۷: ۲۰۲۲، UNESCO).

۲-۴. مسئولیت انسان و دانشگاه در صیانت زیست محیطی با الهام از نهج البلاغه

امام علی (ع) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه می فرماید: «فَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (شریف رضی، ۱۴۰۴ق، خطبه ۱۶۷)؛ این بیان، مسئولیت انسان را به حوزه طبیعت و جانوران گسترش داده و از منظر فقهی نیز با قواعدی همچون حفظ نظام و حرمت افساد فی الارض قابل تحلیل می باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۸۴؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۲۷۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۲۴۵)؛ بر این اساس، حفاظت از محیط زیست یکی از مقاصد نوین شریعت تلقی می گردد (۴۱۲: ۲۰۱۰، Kamali). دانشگاه ها در چارچوب فوق، با تربیت نسل آگاه، تولید دانش مسئله محور و کنشگری علمی، نقشی کلیدی جهت پیشگیری از جرایم زیست محیطی ایفاء نموده و به مثابه کنش گران عدالت بین نسلی و بازتولید کنندگان ارزش های قرآنی معرفی می شوند (۶: ۲۰۰۸، Jenkins، UNESCO، ۱۷: ۲۰۲۲).

۳-۴. قواعد فقهی جرم انگاری محیط زیست و کارکرد دانشگاه

فقه اسلامی، در قالب قواعد عام و فراگیر، موجبات حمایت از محیط زیست، تبیین مبانی شرعی جرم انگاری تخریب محیط زیست و طراحی سیاست جنایی مبتنی بر فقه اسلامی را فراهم می آورد؛ به ویژه در قالب قواعدی همچون لاضرر، اتلاف و حفظ نظام که هر یک، ناظر به پیشگیری از آسیب به مصالح عمومی، منابع طبیعی و نظم اجتماعی اند.





دانشگاه‌ها، در این برهه، به‌عنوان نهادهای دانشی و تمدنی، توان آن را دارند که در تحقق قواعد فقهی نقش آفرینی نمایند؛ از یک‌سو، با آموزش عمومی و ارتقای سواد زیست‌محیطی، مانع بروز اضرار و اتلاف فردی شده و از سوی دیگر، با تولید دانش مسئله‌محور، تربیت متخصصان و کنش‌گری علمی، در امر حفاظت از نظام زیست‌محیطی، مشارکت نمایند؛ فلذا، دانشگاه را می‌توان بستری جهت نهادینه‌سازی مفهوم «امانت» و «خلافت» در قبال طبیعت دانست (Khalid, ۲۰۰۲: ۸-۱۲).

۴-۳-۱. قاعده لاضرر و نقش هنجارساز دانشگاه در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی

قاعده لاضرر، هرگونه ضرر ناروا را نفی نموده و مبنای منع افعال آسیب‌زا به انسان و طبیعت می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۲۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۸۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۲۵)؛ قاعده فوق، جرم‌انگاری رفتارهای آلاینده و مداخله پیشگیرانه را توجیه می‌نماید (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۱۰۴؛ رضویان، ۱۴۰۱: ۷۲؛ حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۰). دانشگاه‌ها با ارتقای سواد زیست‌محیطی و آموزش اخلاق زیست‌محیطی، نقش هنجارسازی را جهت پیشگیری از ضرر ایفاء می‌نمایند (گل همیشه‌بهار و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۷؛ ۸-۱۲: Khalid, ۲۰۰۲؛ UNESCO, ۲۰۲۲: ۱۷-۲۱).

۴-۳-۲. قاعده اتلاف و نقش دانشگاه به‌مثابه کنش‌گر جبران‌محور

قاعده اتلاف، نابودی اموال و منافع را موجب ضمان می‌داند؛ گرچه که بدون قصد بوده باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۴۸)؛ قاعده فوق، مسئولیت مدنی و کیفری تخریب منابع طبیعی و اموال عمومی را توجیه می‌نماید (اکبرزاده و تقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۳؛ طهماسب‌پور، ۱۴۰۳: ۳۳۰؛ فهیمی، ۱۴۰۲: ۷۲). دانشگاه‌ها نیز می‌توانند در طراحی سازوکارهای جبران خسارت، بازسازی اکولوژیک و نهادینه‌سازی ضمان اخلاقی در قبال طبیعت، نقش آفرینی نموده (Khalid, ۲۰۰۲: ۳۳۲-۳۳۹؛ UNESCO, ۲۰۲۲: ۱۷-۲۱؛ ۶۹-۸۴: Fahimi, ۲۰۲۳) و مطابق گزارش رسمی

یونسکو^۱، نقش بازیگرانی کلیدی را جهت طراحی سیاست‌های بازسازی منابع طبیعی و تحقق عدالت بین‌نسلی، ایفاء نمایندند (UNESCO, ۲۰۲۲: ۱۷-۲۱).

۳-۳-۴. حفظ نظام و نقش دانشگاه در نظم اکولوژیک

قاعده حفظ نظام، اختلال در نظم اجتماعی به‌ویژه پایداری زیست‌محیطی را مجوز مداخله شرعی و نهادی می‌داند (ملک‌افضلی، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۷؛ میرکی، ۱۳۹۱: ۸۳-۷۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۸۴؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۰، ۲: ۳۴۱). تهدیدهای زیست‌محیطی، مصداق اختلال در نظام بوده و جرم‌انگاری و سیاست‌گذاری کیفی را ضروری می‌سازند (اکبرزاده و تقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۵؛ رضویان، ۱۴۰۱: ۵۸)؛ فلذا، دانشگاه‌ها در چارچوب فوق‌الذکر، با تربیت متخصصان، طراحی سیاست‌های پیشگیرانه و مشارکت در تدوین قوانین، نقش حافظ نظم اکولوژیک را ایفاء می‌نمایند (Jenkins, ۲۰۱۰: ۲۸-۳۰؛ Haghshenas & Naghibi, ۲۰۲۱: ۱۲-۱۵).

در نهایت، مبانی فقهی یادشده، افزون‌بر مشروعیت‌بخشی به مداخله دولت، زمینه نظری لازم جهت طراحی سیاست جنایی محیط‌زیستی را فراهم آورده و می‌توانند پشتوانه هنجاری ابزارهای کیفی و غیرکیفی باشند.

۵. سیاست جنایی ایران در جرایم زیست‌محیطی

تخریب محیط‌زیست، در دهه‌های اخیر، به یکی از چالش‌های بنیادین سیاست جنایی ایران تبدیل شده است. بهره‌برداری غیرمجاز از منابع طبیعی، گسترش بی‌رویه شهرنشینی، ضعف نظارت نهادی و ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، جرایم زیست‌محیطی را به تهدیدی جدی علیه سلامت عمومی و امنیت زیستی مبدل ساخته است (فولادی، ۱۳۹۸: ۲۲؛ Hesaie & Saberi, ۲۰۲۵: ۳)؛ با این وجود، سیاست جنایی ایران همچنان با پراکندگی تقنینی، ضعف ضمانت اجرا، ناکارآمدی نهادی و فقدان تخصص قضایی روبرو می‌باشد؛ چالش‌هایی که ضرورت بازنگری در مبانی جرم‌انگاری، تدوین قانون جامع محیط‌زیست و ارتقای ظرفیت‌های نهادی را آشکار می‌سازد (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۱۰۲؛ بشیرزادگان و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۵؛ ۱۱۲۱: ۲۰۱۹: Lees).

^۱. Greening Education Partnership



در چنین بستری، دانشگاه‌ها به‌مثابه نهادهای دانشی و اجتماعی، می‌توانند خلأهای سیاست جنایی را در حیطهٔ پیشگیری، حکمرانی محیط‌زیستی و ارتقای ظرفیت‌های نهادی جبران نمایند. تولید دانش تخصصی، مشارکت در سیاست‌گذاری، ایفای نقش مشورتی و ارتقای آگاهی عمومی، دانشگاه را به کنشگری مبدل می‌سازد که می‌تواند در کنار اصلاح ساختارهای تقنینی، اجرایی و قضایی، در پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی نیز ایفای نقش نماید (موسوی و بیات، ۱۴۰۲: ۵؛ فردین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲-۱۰؛ غلامی، ۱۴۰۰: ۱۸)؛ چنین پیوندی، میان کنشگری دانشگاهی و سیاست جنایی، زمینه‌ساز شکل‌گیری «سیاست جنایی سبز» است؛ رویکردی که در اسناد بین‌المللی و گزارش‌های یونسکو با مفهوم «دانشگاه سبز» مورد تأکید قرار گرفته است (UNESCO, ۲۰۲۲: ۶؛ Jenkins, ۲۰۰۸: ۴۱۲؛ Kamali, ۲۰۱۰).

۵-۱. چالش‌های سیاست تقنینی؛ پراکندگی، ضعف ضمانت اجرا و خلأ قانون جامع

سیاست تقنینی ایران در حوزه محیط‌زیست، با سه چالش بنیادین پراکندگی مقررات، ضعف ضمانت اجرا و فقدان قانون جامع روبرو می‌باشد که در مجموع، انسجام تقنینی و کارآمدی سیاست جنایی را تضعیف می‌نمایند.

۵-۱-۱. پراکندگی و ابهام در مقررات زیست‌محیطی

قوانین زیست‌محیطی، در مجموعه‌ای از مقررات پراکنده همانند قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۸۸)، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، قانون جلوگیری از آلودگی هوا و قانون شکار و صید توزیع شده‌اند؛ پراکندگی فوق‌الذکر، انسجام تقنینی را از بین برده و زمینهٔ برداشت‌های محدودکننده و متعارض در محاکم را فراهم آورده است (فولادی، ۱۳۹۸: ۳۲؛ شمس ناتری، ۱۴۰۱: ۲۲۵)؛ افزون بر آن، مفاهیم کلیدی همچون آلودگی، تخریب و منابع طبیعی، فاقد تعاریف دقیق و علمی بوده و همین امر موجب تفسیرهای متناقض شده است (شمس ناتری و شهریاری، ۱۳۹۴: ۳۳۰).

۵-۱-۲. ضعف ضمانت اجرا و ناکارآمدی بازدارندگی

ضمانت اجراهای موجود در قوانین زیست‌محیطی، غالباً غیرمؤثر، سبک و فاقد بازدارندگی‌اند (Ahmadi, ۲۰۲۳: ۱۱۲). فقدان تناسب میان جرم و کیفر، نبود سازوکارهای جبرانی و عدم

پیش‌بینی مجازات‌های متناسب با خسارات زیست‌محیطی، بسیاری از جرایم را بدون پیامد مؤثر بر جای نهاده است.

۵-۱-۳. خلأ قانون جامع محیط‌زیست

نبود یک قانون جامع، که همه ابعاد جرایم زیست‌محیطی را پوشش دهد، یکی از خلأهای جدی سیاست تقنینی ایران به شمار می‌رود (حسن‌پور و همکاران، ۱۴۰۴: ۶۵؛ Salari & Mousavi, ۲۰۲۴: ۵)؛ خلأ مذکور، سیاست جنایی را از انسجام، شفافیت و قابلیت اجرا محروم نموده است. در نهایت، دانشگاه‌ها با انجام پژوهش‌های تطبیقی، تدوین مدل‌های تقنینی و ارائه مشاوره به نهادهای قانون‌گذاری، قادرند نقش مهمی جهت یکپارچه‌سازی قوانین و تقویت ضمانت اجراها ایفاء نمایند (۱۱۲: ۲۰۲۴؛ Rahimi, ۲۰۲۳: ۷۶؛ Ebrahimi).

۵-۲-۲. چالش‌های اجرایی؛ ضعف نهادی، کمبود منابع و نارسایی نظارتی

سیاست اجرایی ایران در حوزه محیط‌زیست با مشکلات ساختاری و نهادی بسیاری روبرو می‌باشد که کارآیی سیاست جنایی را کاهش می‌دهند.

۵-۲-۱. ضعف هماهنگی نهادی و کمبود منابع

سازمان حفاظت از محیط‌زیست، شهرداری‌ها و وزارت نیرو با وجود مسئولیت‌های گسترده، با کمبود بودجه، محدودیت‌های ساختاری و ضعف هماهنگی مواجه‌اند (حسن‌پور و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲).

۵-۲-۲. نارسایی‌های نظارتی و فقدان ارزیابی محیط‌زیستی

یکی از مشکلات بنیادین در حیطه تخریب محیط‌زیست و وقوع جرایم مربوطه، نبود سازوکارهای مؤثر نظارتی و اجرای پروژه‌های صنعتی بدون ارزیابی زیست‌محیطی، از چالش‌های جدی سیاست اجرایی است (حسائی و صابری، ۱۴۰۴: ۱۱۵).

۵-۲-۳. نقش دانشگاه در ارتقای سیاست اجرایی

دانشگاه‌ها، با ارائه مدل‌های مدیریتی پایدار، انجام پژوهش‌های کاربردی و مشارکت در سیاست‌گذاری عمومی، قادرند در امر بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی مساعدت نمایند (لطفیان





و نصری فخرداد، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۱۰۵)؛ همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارشناسان اجرایی و مشارکت در تدوین آیین‌نامه‌ها، از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه جهت تقویت سیاست اجرایی است (Karimi, ۲۰۲۲: ۸۷).

در نهایت، پیشگیری اجتماعی دانشگاه‌محور، با ارتقای فرهنگ عمومی و ایجاد فشار اجتماعی، می‌تواند اجرای دقیق‌تر قوانین را تسهیل نماید (Ebrahimi, ۲۰۲۳: ۷۶).

۳-۵. سیاست قضایی؛ نبود تخصص، اطاله دادرسی و دشواری اثبات جرم

نظام قضایی ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی با چالش‌هایی همچون اطاله دادرسی، نبود شعب تخصصی و ضعف در صدور احکام بازدارنده مواجه است (کشکولیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۴۰۱: ۱۱۸؛ کفشگر و همکاران، ۱۴۰۲: ۷).

۳-۵-۱. اطاله دادرسی و نبود رویکرد تخصصی

رسیدگی در دادگاه‌های عمومی، به دلیل نبود تخصص و راهبرد مشخص، به کاهش بازدارندگی و بی‌اعتمادی اجتماعی می‌انجامد (کشکولیان و شیخ‌الاسلامی، ۱۴۰۱: ۱۲۰)؛ لذا، دانشگاه‌ها قادرند که با انجام پژوهش‌های جرم‌شناختی و ارائه مدل‌های نوین دادرسی، راهکارهایی را جهت کاهش اطاله دادرسی و افزایش کارآیی قضایی ارائه نمایند.

۳-۵-۲. نقش دانشگاه در تقویت سیستم قضایی

ماهیت علمی جرایم زیست‌محیطی، اثبات آن‌ها را دشوار ساخته و نیازمند کارشناسان متخصص در این حیطه می‌باشد (کفشگر و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲)؛ لذا، فقدان کارشناسان متخصص و ضعف در بهره‌گیری از داده‌های علمی، دلیل منتج نشدن بسیاری از پرونده‌ها به نتیجه مطلوب می‌باشد. دانشگاه‌ها از چنین امکانی برخوردارند که با آموزش حقوق محیط‌زیست، تربیت کارشناسان متخصص محیط‌زیست، ارائه گزارش‌های علمی معتبر و ارتقای آگاهی عمومی، می‌توانند در اثبات جرایم زیست‌محیطی، بهبود کیفیت رسیدگی‌ها و افزایش فشار اجتماعی جهت برخورد جدی‌تر با جرایم زیست‌محیطی مساعدت نمایند (ایسنا، ۱۴۰۲).

حق بر محیط‌زیست سالم، در پیوند با حق حیات و سلامت عمومی، مبنای اصلی جرم‌انگاری رفتارهای مخرب محیط‌زیست به شمار می‌رود (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۴). این مبانی در سه سطح قابل تبیین‌اند: مبانی اجتماعی ناظر بر کیفیت زندگی و حقوق نسل‌های آینده (توکلی، ۲۰۲۴: ۸)، مبانی قانونی مستند به اصل پنجاهم قانون اساسی (توکلی، ۲۰۲۴: ۱۰)، و مبانی فقهی مبتنی بر تلقی محیط‌زیست به‌عنوان «حق الناس» و «امانت الهی». دانشگاه‌ها نیز با تولید دانش نظری و پژوهش‌های تطبیقی، می‌توانند در تقویت و نهادینه‌سازی این مبانی در سیاست کیفری، ایفای نقش نمایند.

۶. پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی و نقش دانشگاه

پیشگیری اجتماعی در سیاست جنایی نوین، بر اصلاح نگرش‌ها، تغییر رفتارهای اجتماعی و ارتقای فرهنگ عمومی استوار می‌باشد؛ چنین رویکردی، در عوض اتکا به واکنش کیفری پس از وقوع جرم، متمرکز بر کاهش عوامل جرم‌زا، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ایجاد حساسیت عمومی نسبت به محیط‌زیست می‌باشد. پیشگیری اجتماعی می‌کوشد تا با آموزش، فرهنگ‌سازی و مشارکت مردمی، زمینه‌های وقوع جرائم زیست‌محیطی را به حداقل رسانده و رفتارهای سازگار با محیط‌زیست را در جامعه به حداقل رساند (بیات و صیقل، ۱۴۰۳: ۴۲؛ Ceccato & Ioannidis, ۲۰۲۴: ۴۲۷).

۶-۱. ابزارها و سازوکارهای پیشگیری اجتماعی در حوزه محیط‌زیست

مطابق سیاست جنایی محیط‌زیست، محورهای سه‌گانه دانش، جامعه و سیاست‌گذاری به واسطه ابزارهای پیشگیری اجتماعی - با ماهیت میان‌رشته‌ای - می‌توانند از طریق ارتقای آگاهی عمومی، تقویت مشارکت اجتماعی و ایجاد حساسیت نسبت به پیامدهای تخریب محیط‌زیست، زمینه‌های وقوع جرم را کاهش دهند.

۶-۱-۱. آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی

رسانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، با تولید محتوای آموزشی، ترویج شهروندی مسئولانه و ارائه آموزش‌های محیط‌زیستی، نقشی بنیادین جهت اصلاح نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ایفاء می‌نمایند؛ همین آموزش‌های مستمر و هدفمند، موجبات تقویت نگرش‌های زیست‌محیطی و





کاهش رفتارهای پرخطر را فراهم می‌آورند (گل همیشه‌بهار و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۸؛ Suman & Goel, ۲۰۲۲: ۱۵).

۶-۱-۲. مشارکت مردمی و نهادهای مدنی

نهادهای مدنی و انجمن‌های زیست‌محیطی، از طریق نظارت اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه و مطالبه‌گری عمومی، نقش مؤثری جهت کاهش جرایم زیست‌محیطی ایفاء می‌نمایند. مشارکت مردمی، حلقه اتصال میان جامعه و نهادهای رسمی بوده و به تقویت مشروعیت اجتماعی سیاست جنایی می‌انجامد (فردین و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۲۰؛ ۴: Thompson, ۲۰۱۶).

۶-۱-۳. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و بخش خصوصی

الزام صنایع و شرکت‌ها به رعایت استانداردهای زیست‌محیطی، یکی از ابزارهای مهم پیشگیری اجتماعی است. واکنش اجتماعی و اقتصادی به تخلفات زیست‌محیطی، مکمل ضمانت اجراهای کیفری بوده و رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد (حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۸).

۶-۲. نقش دانشگاه در پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی

دانشگاه‌ها، به‌عنوان نهادهایی علمی، فرهنگی و اجتماعی، از سطح آموزش و پژوهش فراتر رفته و با کنشگری اجتماعی، دیده‌بانی علمی و مشارکت در حکمرانی محیط‌زیستی، نقشی محوری در تحقق پیشگیری اجتماعی ایفاء می‌نمایند.

۶-۲-۱. آموزش تخصصی و تربیت نیروی انسانی

دانشگاه‌ها، با طراحی دوره‌های آموزشی در حیطه حقوق محیط‌زیست، جرم‌شناسی سبز و علوم اجتماعی و هم‌چنین، تربیت قضات و کارشناسان متخصص، زیرساخت دانشی لازم جهت پیشگیری اجتماعی را فراهم می‌نمایند (ایسنا، ۱۴۰۲: ۲؛ ۷: Shariati, ۲۰۲۱؛ ۷: Jadhav et al., ۲۰۱۴).

۲-۲-۶. پژوهش، تولید دانش تجویزی و دیده‌بانی علمی

مطالعات جرم‌شناختی پیرامون علل وقوع جرایم زیست‌محیطی، ارائه مدل‌های نوین پیشگیری اجتماعی و انتشار گزارش‌های علمی پیرامون وضعیت محیط‌زیست، از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه است؛ این دیده‌بانی علمی، افزون بر افزایش آگاهی عمومی، فشار اجتماعی بر قانون‌گذار برای جرم‌انگاری رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد (جعفری‌منش و شعبانعلی‌فمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸؛ ۱۱۲: ۲۰۲۳). (Andresen, ۲۰۲۳).

۳-۲-۶. کنشگری اجتماعی و دیجیتال

دانشگاه‌ها با برگزاری کارگاه‌ها، کمپین‌های آگاهی‌بخش، همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی برای مطالبه‌گری، نقش فعالی در ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی ایفا می‌کنند. کنشگری دیجیتال، علی‌الخصوص در میان دانشجویان، ظرفیت مهمی جهت بسیج اجتماعی علیه تخریب محیط‌زیست دارد (گل همیشه‌بهار و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۱؛ Huang, ۲۰۲۴: ۱۶۰; Saikia & Hazarika, ۲۰۲۲: ۲۷۰; Ceccato & Kytta, ۲۰۲۲).

۴-۲-۶. حکمرانی محیط‌زیستی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه

دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای نسل چهارم^۱، موظف به رعایت اصول مسئولیت اجتماعی من جمله توسعه دانشگاه‌های سبز، کاهش ردپای کربن^۲، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی و بازتعریف سیاست‌های محیط‌زیستی بر مبنای دانش‌محوری می‌باشند؛ چنین نقشی، دانشگاه را به یکی از محورهای حکمرانی محیط‌زیستی نوین مبدل می‌سازد (دانشگاه تهران، ۱۴۰۲: ۶؛ Basheer et al., ۲۰۲۵: ۲۶۸; Hussain et al., ۲۰۲۵: ۲۷۰; Kolahi & AzimiSeginSara, ۲۰۲۳: ۵).

^۱. نهاد نسل چهارم و یا دانشگاه نسل چهارم، به دانشگاه‌هایی اطلاق می‌گردد که افزون‌بر آموزش (نسل اول)، پژوهش (نسل دوم) و فناوری/ کارآفرینی (نسل سوم)، به مرحله جدید «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌آفرینی برای جامعه و محیط‌زیست» به عنوان نسل چهارم، دست یافته‌اند.

^۲. Carbon footprint



۳-۶. چالش‌های پیشگیری اجتماعی در ایران

با وجود اهمیت پیشگیری اجتماعی، همچنان تمرکز بر واکنش کیفی و مجازات‌محوری در ایران غالب است. کمبود بودجه، ضعف هماهنگی نهادی، نبود ارتباط مؤثر میان دانشگاه، دولت و جامعه مدنی و فقدان سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، از مهم‌ترین موانع تحقق پیشگیری اجتماعی مؤثر به شمار می‌روند (فردین و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۲۵؛ *Frontiers in Conservation Science*, ۳: ۲۰۲۲)؛ لذا، نقش دانشگاه‌ها زمانی معنا می‌یابد که در کنار مبانی فقهی و سیاست‌جنایی قرار گرفته و سه‌گانه‌ای هماهنگ میان دانش، قانون و جامعه جهت کاهش جرایم زیست‌محیطی صورت گیرد.



نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جرایم زیست‌محیطی و اجتماعی، محصول برهم‌کنش پیچیده عوامل ساختاری، نهادی و فرهنگی‌اند و از این رو، مواجهه با آن‌ها نیازمند رویکردی چندسطحی و هم‌افزا است.

در سطح نخست، آموزه‌های فقهی با ارائه بنیان‌های هنجاری مبتنی بر نفی ضرر، منع اتلاف و ضرورت حفظ نظام، چارچوبی اخلاقی و مشروعیت‌بخش برای مداخله دولت در صیانت از محیط‌زیست فراهم می‌کنند. این سطح، نه تنها مبنای جرم‌انگاری رفتارهای مخرب را توجیه می‌کند، بلکه ظرفیت بسیج فرهنگی و دینی جامعه را نیز در برابر تخریب محیط‌زیست فعال می‌سازد.

در سطح دوم، سیاست جنایی با ترجمه این مبانی هنجاری به سازوکارهای حقوقی و نهادی، امکان واکنش مؤثر و پیشگیری هدفمند را فراهم می‌آورد. جرم‌انگاری رفتارهای مخرب، اعمال ضمانت اجراهای کیفری، توسعه سازوکارهای پیشگیری وضعی و تنظیم‌گری محیط‌زیستی، همگی نشان می‌دهند که سیاست جنایی، حلقه اتصال میان مبانی فقهی و سازوکارهای اجرایی است و بدون آن، ظرفیت‌های فقهی به عرصه عمل منتقل نمی‌شوند.

در سطح سوم، پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر آموزش، ارتقای سواد زیست‌محیطی، دیده‌بانی علمی، کنشگری دیجیتال و مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، به تغییر نگرش‌ها و اصلاح رفتارهای جمعی می‌انجامد. این سطح، امکان گذار از واکنش پسینی به پیشگیری پیشینی را فراهم کرده و دانشگاه‌ها را به نهادهایی نسل‌چهارمی تبدیل می‌کند که در تولید دانش، تربیت کنش‌گران و حل مسائل زیست‌محیطی نقش مستقیم دارند.

برآیند این سه سطح نشان می‌دهد که راهبرد جامع مقابله با جرایم زیست‌محیطی، تنها زمانی کارآمد است که فقه، سیاست جنایی و پیشگیری اجتماعی در قالب یک الگوی هم‌افزا عمل کنند. فقه، بنیان هنجاری؛ سیاست جنایی، ابزار نهادی؛ و پیشگیری اجتماعی، بستر فرهنگی و آموزشی تحول‌اند. چنین هم‌افزایی، امکان گذار از جرم‌انگاری صرف به حکمرانی نوین زیست‌محیطی را فراهم کرده





و علاوه بر کاهش جرایم، به تقویت عدالت اجتماعی، پایداری اکولوژیک و افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

با عنایت به موارد فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردند:

الف) اصلاح و بازنگری قوانین

- بازطراحی قوانین کیفری محیط‌زیستی با هدف گذار از رویکرد مجازات‌محور به الگوی پیشگیرانه-ترمیمی مبتنی بر اصل ضرر و حق بر محیط‌زیست سالم.
- تدوین مقررات حمایتی از منابع طبیعی با تأکید بر مسئولیت دولت در صیانت از انفال و اموال عمومی.
- همسوسازی قوانین داخلی با اسناد بین‌المللی به‌ویژه SDG۱۳ و SDG۱۵ جهت تقویت انسجام سیاست‌گذاری و پاسخ‌گویی جهانی.

ب) تقویت رویکردهای پیشگیرانه

- پیشگیری نهادی از طریق ایجاد ساختارهای آموزشی و فرهنگی در دانشگاه‌ها، شوراهای محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد.
- پیشگیری اجتماعی با ارتقای سواد زیست‌محیطی، آموزش رسمی و بسیج رسانه‌ای برای کاهش زمینه‌های جرم‌زا.
- پیشگیری وضعی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند پایش هوشمند، سامانه‌های هشدار سریع و کنترل صنعتی.

ج) مشارکت اجتماعی و عدالت ترمیمی

- توسعه عدالت ترمیمی در جرایم زیست‌محیطی با تمرکز بر جبران خسارت، بازسازی اکولوژیک و مشارکت بزه‌دیدگان جمعی.
- تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت، گزارش‌دهی و اجرای پروژه‌های ترمیمی.
- ایجاد شبکه همکاری بین‌نهادی میان دستگاه قضایی، سازمان محیط‌زیست، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی جهت سیاست‌گذاری و اجرای هماهنگ.

منابع و مأخذ

- کتاب:

- ۱) انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، **المکاسب**، جلد اول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲) انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، **المکاسب**، جلد سوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۳) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، **تفسیر تسنیم**، جلد سیزدهم، قم: نشر اسراء.
- ۴) خرم‌دل، مصطفی (۱۴۰۰)، **تفسیر نور**، جلد نهم، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۵) خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکملة المنهاج**، جلد اول، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۶) خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکملة المنهاج**، جلد دوم، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۷) رضویان، سید حامد (۱۴۰۱)، **پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد**، قم: پژوهشکده مطالعات وقف و نیکوکاری (خیرماندگار).
- ۸) شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۴ق)، **نهج البلاغه** (تحقیق صالح صبحی)، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ۹) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۰) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۷)، **تفسیر المیزان**، جلد شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۱) طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**، جلد هفتم، تهران: ناصر خسرو.
- ۱۲) عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۰)، **حقوق عمومی اسلامی**، جلد دوم، تهران: سمت.
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، جلد شانزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴) موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۹)، **قواعد فقهیه**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- مقاله:

- ۱) اکبرزاده، احمد و تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی حقوقی رابطه قاعده اتلاف با تخریب محیط‌زیست»، *فصلنامه حقوق محیط‌زیست*، دوره ۲، شماره ۱.
- ۲) اکبری، رستم و چمنی، نادر (۱۳۹۸)، «جرم‌شناسی سبز و جرائم و آسیب‌های محیطی»، *پژوهشنامه حقوق فارس*، دوره ۲، شماره ۵.
- ۳) بشیرزادگان، فرشاد، فرشچی، پروین، آزادبخت، بیتا و پناهی، مصطفی (۱۴۰۲)، «مسئولیت کیفری تخریب‌کنندگان مناطق تحت حفاظت»، *فصلنامه حقوق اداری*، دوره ۱۰، شماره ۳۵.
- ۴) بیات، شیرین و صیقل، یزدان (۱۴۰۳)، «مبنای جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی در ایران با تأکید بر اصل ضرر و تحولات آن»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
- ۵) جعفری‌منش، انسیه و شعبانعلی‌فمی، حسین (۱۳۹۲)، «نقش دانشگاه در آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار»، *سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست*.
- ۶) حاجی‌وند، امین، میرکمالی، علیرضا، صفری، فرشید و سروی سرمیدانی، امید (۱۴۰۲)، «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی»، *فصلنامه علوم محیطی نوین*، دوره ۱۶، شماره ۲.
- ۷) حسائی، علیرضا و صابری، نصرت‌الله (۱۴۰۴)، «تحلیل و نقد سیاست جنایی ایران در جرائم زیست‌محیطی با اتکا به کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل*، دوره ۳، شماره ۱.
- ۸) حسن‌پور، اکرم، جلیلیان، مهدی و شکرچی‌زاده، محسن (۱۴۰۴)، «سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی»، *پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی*.
- ۹) داودی‌گرمارودی، هما و همکاران (۱۴۰۰)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری»، *نشریه حقوق محیط‌زیست*.

- ۱۰) دهدارزاده، فاطمه (۱۴۰۲)، «سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری ایران»، **فصلنامه پایداری توسعه و محیط زیست**، دوره ۴، شماره ۴.
- ۱۱) رشیدی، علی، آقائی بجستانی، مریم و روحانی مقدم، محمد (۱۴۰۲)، «تأملی در جرم‌شناسی سبز؛ داشته‌ها و بایسته‌ها»، **نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، دوره ۱۵، شماره ۳۳.
- ۱۲) شریف‌زاده، رحمان و حسان، رضا (۱۴۰۱)، «تبیین و تحلیل شکاف میان پژوهش دانشگاهی و کنش سیاست‌گذاری؛ مطالعه موردی مقالات حوزه سیاست‌گذاری در ایران»، **فصلنامه راهبرد فرهنگ**، دوره ۱۵، شماره ۶۰.
- ۱۳) شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۴۰۱)، «سیاست جنایی تقنینی غیرکیفری ایران در قبال ایجاد مخاطرات زیست‌محیطی»، **مدیریت مخاطرات محیطی**، دوره ۹، شماره ۳.
- ۱۴) شمس ناتری، محمد ابراهیم و شهریار، بهمن (۱۳۹۴)، «ماهیت جرم‌شناختی رفتارهای منتهی به مخاطرات در مکتب نوظهور زیبولوژی». **مدیریت مخاطرات محیطی**، دوره ۲، شماره ۳.
- ۱۵) طهماسب‌پور، علیرضا (۱۴۰۳)، «مسئولیت مدنی در برابر خسارت‌های زیست‌محیطی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۴۲.
- ۱۶) غلامی، اکرم (۱۴۰۰)، «تحلیل پیشگیری وضعی و اجتماعی در مقابله با جرایم زیست‌محیطی»، **فصلنامه علمی-حقوقی قانون‌یار**، دوره ۵، شماره ۱۷.
- ۱۷) فردین، مینا، میلانی، علیرضا، بیرانوند، مسعود و متین‌راسخ، مجید (۱۳۹۹)، «بررسی چالش‌های پیشگیری اجتماعی؛ مطالعه موردی جرایم و آلودگی‌های زیست‌محیطی»، **فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال ۱۰، شماره ۲.
- ۱۸) فولادی، اسماعیل (۱۳۹۸)، «بررسی تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف**، سال ۲، شماره ۵.
- ۱۹) فهیمی، عزیزالله (۱۴۰۲)، «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۱، شماره ۱.





- ۲۰) کشکولیان، اسماعیل و شیخ الاسلامی، عباس (۱۴۰۱)، «چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست‌محیطی در حقوق کیفری ایران»، **تملن حقوقی**، دوره ۵، شماره ۱۰.
- ۲۱) کفشگر، ابوالقاسم، حیدری، مسعود، شادمان فر، محمدرضا و یوسف زاده، علی (۱۴۰۲)، «سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران در جرایم علیه منابع طبیعی و محیط زیست»، **هفتمین کنگره بین‌المللی توسعه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری ایران**.
- ۲۲) گل همیشه بهار، محمدرضا، احمدی، عباداله و برزگر، مجید (۱۴۰۱)، «نقش آموزش محیط زیست در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی»، **فصلنامه فقه جزای تطبیقی**، دوره ۲، شماره ۳.
- ۲۳) لطفیان، سعیده و نصری فخرآود، صدیقه (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری محیط‌زیست در ایران: چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۸، شماره ۱.
- ۲۴) ملک‌افضلی، محسن (۱۳۸۹)، «آثار قاعده حفظ نظام»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره چهارم.
- ۲۵) موسوی، سیدمهدی و بیات، مهدی (۱۴۰۳)، «پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی»، **هشتمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و کالت و علوم اجتماعی در افق ایران ۱۴۰۴**.
- ۲۶) نیکنام، محمدرضا، مسجدسرای، حمید و ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۲)، «حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقهیه»، **نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، دوره ۱۵، شماره ۳۰.

- پایان نامه یا رساله:

- میرکی، فاطمه (۱۳۹۱)، **بررسی قاعده حفظ نظام**، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.

- اسناد الکترونیک:

دانشنامه فقه معاصر، (۱۴۰۴)، مدخل «فقه محیط‌زیست (منابع مطالعاتی)»، بازیابی شده از <https://ency.feqhemoaser.com> (۳۰-۰۸-۱۴۰۴)





ایرنا، (۱۴۰۳)، «دانشگاه‌ها و طراحی محیط‌های دیجیتال آموزشی»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ص. ۴، بازیابی شده از <https://irna.ir-xjTypy> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

دانشگاه تهران، (۱۴۰۲)، گزارش مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران در حوزه محیط‌زیست، ص. ۶، بازیابی شده از <https://ut.ac.ir-fa-page-۷۰۵۷> -مسئولیت اجتماعی (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

ایسنا، (۱۴۰۲)، «محیط‌زیست و حکمرانی نوین دانشگاهی»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ص. ۲، بازیابی شده از <https://isna.ir-xdTpP۳> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

ایسنا، (۱۴۰۲)، «محیط زیست به دروس دانشگاه علوم قضایی اضافه می‌شود»، خبرگزاری ایسنا، بازیابی شده از <https://www.isna.ir-news-۱۴۰۲۰۸۰۸۰۰۰۰> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

سروری مجد، علی، (۱۴۰۴)، «ضرورت نقش آفرینی دانشگاه در حل چالش‌های ملی»، خبرگزاری ایسنا، بازیابی شده از <https://www.isna.ir> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

انصاری، شینا، (۱۴۰۴)، «حفاظت محیط زیست بدون مشارکت عمومی ممکن نیست»، خبرگزاری مهر، بازیابی شده از <https://www.mehrnews.com> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

پهلوان افشاری، کیان، (۱۴۰۴)، «نقش راهبردی دانشگاه‌ها در بحران امنیت غذایی»، خبرگزاری ایسنا، بازیابی شده از <https://www.isna.ir> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)

توکلی، ه، (۲۰۲۴)، جرایم زیست‌محیطی در قوانین ایران: آلاینده‌ها، مجازات‌ها و راهکارهای حقوقی، وبسایت وکیل تل، صص. ۸-۱۰، بازیابی شده از <https://vakiltel.com> (تاریخ مراجعه: ۳۰-۰۸-۱۴۰۴)



Andresen, Martin (۲۰۲۳), Environmental criminology: Evolution, theory, and practice, Routledge, <https://www.routledge.com/EnvironmentalCriminology-Evolution-Theory-and-Practice-Andresen-p-book> ۹۷۸۱۰۳۲۴۵۴۷۵۷

Ceccato, Vania, & Ioannidis, Ioannis (۲۰۲۴), Environmental criminology in crime prevention: Theories for practice, Security Journal, ۳۷(۳), ۴۲۵-۴۳۱, <https://link.springer.com/article-۱۰,۱۰۵۷-s۴۱۲۸۴-۰۲۴-۰۰۴۴۰-۶>

Huang, Dengkai, Ceccato, Vania, & Kytta, Marketta (۲۰۲۲), Safety perceptions in university campuses: The role of environment, Crime Prevention and Community Safety, ۲۴, ۲۶۶-۲۸۵, <https://link.springer.com/article-۱۰,۱۰۵۷-s۴۱۳۰۰-۰۲۲-۰۰۱۴۸-y>

Hesaie, Ali, & Saberi, Niloofar (۲۰۲۵), Analysis and criticism of Iran's criminal policy on environmental crimes based on international conventions, ICLJ, Article ۲۲۰۵۵۳, ۳, https://www.iclj.ir/article_۲۲۰۵۵۳.html

Jenkins, Willis (۲۰۰۸), Islamic law and environmental ethics: How jurisprudence mobilizes practical reform, PDF, <https://ijtihadnet.com/wp-content/uploads-Islamic-Law-and-Environmental-Ethics.pdf>

Kamali, Mohammad Hashim (۲۰۱۰), Principles of Islamic jurisprudence (Rev ed), Islamic Texts Society, PDF, <https://www.muslim-library.com-dl-books-EnglishPrincipleofIslamicJurisprudence.pdf>

Khalid, Fazlun (۲۰۰۲), Islam and the environment, In P Timmerman (Ed), Encyclopedia of global environmental change (Vol ۵, pp ۳۳۲-۳۳۹), John Wiley & Sons, <https://www.researchgate.net-publication> ۲۳۸۰۷۷۲۸۵
https://www.researchgate.net/publication/238077285_IslamandtheEnvironment

Kolahi, Mohammad, & AzimiSeginSara, Mahsa (۲۰۲۳), Green universities and social responsibility, Sustainability, ۱۵(۴), ۲۶۵-۲۷۵, <https://www.mdpi.com-۲۰۲۱-۱۰۵۰-۱۵-۴-۲۶۵>

Lees, Emma (۲۰۱۹), Environmental law and criminal law, In The Oxford handbook of comparative environmental law (pp ۱۱۱۹-۱۱۳۸), Oxford University Press, <https://academic.oup.com-edited-volume-۴۱۳۰۴>

Loader, Ian, & Sparks, Richard (٢٠١٠), Public criminology?, Routledge, <https://www.routledge.com/Public-Criminology-Loader-Sparks-p-book-9780410440004>

Saikia, P. P., & Hazarika, S. (٢٠٢٤). Construction of environmental activism in the digital age: Challenges and opportunities. In P. Singh, B. Ao, & M. Medhavi (Eds.), Environmental activism and global media: Perspective from the past, present and future (pp. ١٥٧-١٨٢). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-00408-7_8

Shariati, Auzeen (٢٠٢١), Crime prevention through environmental design (CPTED) and its potential for campus safety, Security Journal, ٣٥, ١١٩٨-١٢١٩, <https://link.springer.com/article-10.1057-014284-021-00322-1>

South, Nigel (٢٠٠٨), Green criminology: Environment, crime and justice, SAGE, <https://repository.essex.ac.uk-18096-1-JCIC2014-04>
[NigelSouthGreenCriminologyEnvironmentalCrimePrevention.pdf](https://repository.essex.ac.uk-18096-1-JCIC2014-04)

<https://repository.essex.ac.uk-18096-1-JCIC2014-04>
[NigelSouthGreenCriminologyEnvironmentalCrimePrevention.pdf](https://repository.essex.ac.uk-18096-1-JCIC2014-04)

Suman, Sandeep, & Goel, Ruchi (٢٠٢٢), Role of higher education in environment protection, GAP Bodhitaru Journal, <https://www.gapbodhitaru.org-res-articles-26-30-role-of-higher-education-in-environment-protection.pdf>

Thompson, Kevin (٢٠١٦), Environmental crime prevention strategies, ReviseSociology, <https://revisesociology.com-2016-09-09-environmental-crime-prevention-definition-examples-criticisms->

UNESCO (٢٠٢٢), Greening education partnership: Getting every learner climate-ready, <https://www.unesco.org-en-articles-greening-education-partnership-getting-every-learner-climate-ready>

UNESCO (٢٠٢٢), Greening higher education for sustainable development, <https://unesdoc.unesco.org-ark:-48223-pf000381234>

White, Rob, (٢٠١٣), Environmental crime: A reader, Willan Publishing, ٤١-٤٧, <https://www.routledge.com-Environmental-Crime-A-Reader-White-p-book-97811843920120>

